

پیشینه قبرستان بقیع

<?xml encoding="UTF-8?">



تاریخچه حرم ائمه بقیع (علیهم السلام) و قبرستان بقیع

هر شیفته ای که دل به مدینه روانه می کند، بر غربت قبرستان بقیع ناله می کند. تربت مطهر چهار امام معصوم (علیهم السلام) تنها با سنگ چین‌هایی نمایان است که زائر آن اجازه زیارت ندارد و باید به دل گریه کند. بقیع سند مظلومیت همیشگی شیعه است و بررسی و آگاهی از پیشینه آن ضروری است تا گوشه ای از جایگاه تاریخی و اجتماعی پیشوایان شیعیان را نمایان سازد.

اشاره

هشتم شوال سالگرد تخریب حرم ائمه بقیع است و از این رو گفت وگویی با حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق نجمی، پژوهشگر و محقق تاریخ انجام داده ایم. وی کتاب «تاریخ حرم ائمه بقیع» را نگاشته است که حاوی نکات جالب پیشینه تاریخی این مکان مقدس است.

پیشینه قبرستان بقیع

پیشینه قبرستان بقیع به چه زمانی برمی گردد و این قبرستان نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) از چه منزلتی برخوردار بوده است؟

بقیع اولین مدفن و مزاری است که به دستور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و به وسیله مسلمانان صدر

اسلام به وجود آمده است. این مدفن مقدس و تاریخی در اصل «بقیع الغرقد» و در قرن‌های اخیر گاهی «جنة البقیع» نیز گفته می‌شود.

ابن اثیر می‌گوید: «در لغت بقیع به محل وسیعی که دارای درخت و یا ریشه درخت باشد، گفته می‌شود و چون مکان بقیع پیش از آن دارای درخت غرقد و ریشه‌های آن بود پس از قطع این اشجار نیز با همان اسم معروف گردید.»

در بقیع اولین کسی که از انصار دفن شده است «اسعد بن زراره» و از مهاجرین «عثمان بن مظعون» بوده است. سمهودی می‌گوید: «پس از فوت ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن حضرت به صحابه فرمودند ابراهیم را به سلف صالح ما عثمان لاحق کنید و در کنار او به خاک بسپارید.» او می‌گوید پس از دفن شدن ابراهیم در بقیع، مردم مدینه علاقه‌مند شدند پیکر اقوام و عشیره خود را در آنجا دفن کنند و هر یک از قبایل مدینه درختان و ریشه‌های بخشی از بقیع را قطع و زمین آن را برای همین منظور آماده نمودند.

در فضیلت بقیع حدیث‌های متعددی از رسول خدا نقل گردیده است. از جمله در حدیثی فرمودند: «از بقیع هفتاد هزار نفر که صورتشان مانند ماه چهارده شبه است محشور خواهند شد و بدون حساب وارد بهشت می‌شوند.» در حدیث دیگر آمده است که رسول خدا در بقیع حضور یافتند و اهل قبور را بدین گونه خطاب می‌کردند: «درود بر شما و خداوند ما و شما را بیامرزد. شما پیشاهنگان ما بودید و ما هم در پی شما خواهیم آمد.»

حرم ائمه بقیع که در کتب تاریخ به عنوان مشهد و حرم اهل بیت (علیهم السلام) معروف گردیده، در سمت غربی و منتهی الیه بقیع واقع شده است. در این حرم مطهر قبر چهار تن از ائمه اهل بیت، امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) در کنار هم و به فاصله 2 تا 3 متری این قبرها، قبر عباس عمومی گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گرفته و در کنار آن نیز قبر دیگری است که متعلق به فاطمه بنت اسد است. قبل از ویرانی ساختمان این حرم مطهر همه این قبور شش‌گانه در زیر گنبد و دارای ضریح زیبایی بودند. همچنین مدفن تعدادی از همسران، فرزندان، اقوام و عشیره پیامبر اسلام و جمع کثیری از صحابه و یاران آن حضرت و تعداد بی‌شماری از شهدا و علما در این قبرستان قرار دارد.

بارگاه ائمه مدفون در بقیع در چه زمانی بنا شد؟

گرچه پس از گذشت قریب به یک قرن از تخریب حرم مطهر ائمه بقیع و از بین رفتن تمام آثار این بنای باشکوه و معنوی نمی‌توان همانند سایر ابنیه تاریخی و مذهبی از آثار آن به عظمت و قدمتش پی برد و تاریخ بنای آن را به دست آورد. آنچه از منابع مختلف به دست می‌آید تا حدی می‌تواند ما را با تاریخ و چگونگی ساخت این حرم شریف آشنا سازد و بیانگر وضع این بنای فخیم و پرشکوه معنوی در طول تاریخ گردد. اجمال تاریخ این حرم مقدس این است که قبور ائمه بقیع از ابتدای دفن دارای ساختمان و به مرور زمان گنبد و بارگاه بوده است و در قرون متمادی دارای خادم و دربان و دارای ظریف‌ترین و گرانبهارترین ضریح و صندوق با زیباترین روپوش و دارای فرش و قندیل بوده است.

در خصوص هر یک از مراحل شکل گیری بارگاه و مشخصات و تحولات آنها در طول تاریخ چه اطلاعاتی را جمع آوری کرده‌اید؟

آنهایی که با تاریخ مدینه آشنایی دارند می‌دانند که در آن زمان رسم بود که جنازه افراد متشخص و مورد احترام به جای گورستان عمومی در داخل منزل دفن می‌شد و در برخی از موارد این منزل تبدیل به آرامگاه خانوادگی می‌شد. به عنوان مثال می‌توان به دفن شدن عبدالله پدر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در خانه اشاره کرد. در کنار قبرستان بقیع خانه‌های زیادی وجود داشت که یکی از آنها متعلق به عقیل ابن ابی طالب بود. این خانه به آرامگاه خصوصی و خانوادگی اقوام و فرزندان رسول خدا مبدل گردید و اولین کسی که در داخل آن دفن شد پیکر فاطمه بنت اسد بود. پس از آن عباس عموی پیامبر در این خانه دفن گردید. ابن شهبه متوفای 262 هـ. ق و از قدیمی‌ترین مورخان و مدینه‌شناسان می‌گوید: «عباس ابن عبدالمطلب در داخل خانه عقیل و در کنار قبر فاطمه بنت اسد دفن شده است.» این جمله صریح را مورخ و مدینه‌شناس معروف سمهودی و احمد بن عبدالحمید نیز در کتاب خود نقل نموده‌اند.

این خانه به همان شکل تا زمان امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) باقیمانده بود که آن حضرت در وصیت خود به برادرشان تصریح کردند تا بدن مطهرشان را در کنار قبر رسول الله (صلی الله علیه و آله) به خاک سپارند و اگر بنی امیه مخالفت کردند در کنار قبر مادرشان حضرت فاطمه (علیها‌السلام) دفن شوند. البته شیخ مفید (ره) و طبرسی این وصیت را چنین نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند در کنار فاطمه بنت اسد دفن شوند. به این وصیت عمل شد و پیکر مطهر امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) در این خانه دفن شد. پس از آن حضرت، پیکر مطهر امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) در کنار جد بزرگوارشان امام مجتبی (علیه‌السلام) دفن گردید که اسناد و مدارک فراوانی در این زمینه وجود دارد.

ساخت حرم و بارگاه برای مدفن ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از چه زمانی آغاز شد و این بارگاه چه خصوصیتی داشت؟

ساخت حرم و بارگاه در بقیع در چند مرحله صورت گرفت. پس از زمان بنی‌امیه که شیعیان در سخت‌ترین شرایط به سر می‌بردند و حتی جرأت اظهار عقیده خود را نداشتند عباسی‌ها به روی کار آمدند و در این زمان بود که شیعیان به آزادی‌هایی دست یافتند، تا جایی که سفاح به حقانیت امیر مؤمنان (علیه‌السلام) اعتراف کرد و اقدام به بازگرداندن فدک به بنی‌الحسن نمود.

طبیعی است در چنین شرایط و با برداشته شدن همه موانع، شیعیان خاندان عصمت و به ویژه سادات

بنی‌الحسن در تعمیر و توسعه مدفن ائمه بقیع و تبدیل خانه عقیل به حرم به عنوان یک وظیفه دینی و نماد مذهبی اهتمام ورزند. همچنین انتساب عباسی‌ها به عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) مهمترین انگیزه برای شیعیان آن دوره بود که به تعمیر و توسعه بارگاه جد خود اقدام کنند. بر اساس مدارک تاریخی پیکر مطهر امام صادق (علیه‌السلام) در سال 148 هـ. ق و پس از دوران خلافت سفاح و منصور در سال‌های 136 تا 157 هـ. ق در داخل حرم و پس از تبدیل شدن خانه عقیل به مسجد و زیارتگاه عمومی در کنار قبور ائمه سه گانه دفن شده است.

متأسفانه در مورد تغییر و تحولی که پس از این تاریخ تا قرن پنجم در این حرم شریف به وجود آمده است، اطلاع دقیق و مستند تاریخی در دست نیست ولی با توجه به بحث‌های گذشته به یقین این حرم در طول این سه قرن نیز مورد توجه عباسیان و شیعیان بوده و در هر فرصت ممکن به تعمیر و تجدید بنای آن اهتمام ورزیده‌اند. اما مرحله بعدی تجدید بنای حرم از قرن پنجم آغاز شده که خوشبختانه اسناد و مدارک تاریخی زیادی در این زمینه وجود دارد. طبق مدارک مسلم تاریخی، گنبد و بارگاه حرم ائمه بقیع که از نظر استحکام و ارتفاع، ظرافت و زیبایی بر همه قبه‌های موجود در بقیع تفوق داشته و به مدت هشتصد سال سر بر آسمان می‌سوده و نظر مورخان و جهانگردان را به خود جلب می‌کرد، به دستور «مجدالملک ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی البراوستانی القمی»، وزیر برکیارق از سلاطین سلجوقی در بین سال‌های 486 الی 498 هـ. ق ساخته شده است. در این زمینه مورخ معروف ابن اثیر در حوادث سال 495 هـ. ق می‌گوید: «در این سال امیر مدینه منظور بن عماره حسینی دنیا را وداع گفت و او معماری را که از اهالی قم بود و از سوی مجدالملک بلاسانی برای ساختن قبه حسن بن علی و عباس عموی پیامبر در مدینه به سر می‌برد، به قتل رسانید.» همچنین مرحوم عبدالجلیل قزوینی زنده (در سال 556) در کتاب النقض می‌گوید: «قبه حسن بن علی که عباس بن عبدالمطلب پدر خلفا آنجا مدفون است مجدالملک فرموده است.»

شاید بهترین راه برای به دست آوردن کیفیت این بنای شریف و مشخصات آن مراجعه به ثبت مشاهدات و خاطرات مورخان و جهانگردان باشد. مشخصات «قبه ای بزرگ و سر به فلک کشیده و بسیار مستحکم» مشترک در بین مشاهدات مورخان می‌باشد؛ جهانگردانی همچون ابن جبیر و ابن نجار در قرن هفتم خالد بن عیسی البلوی المغربی و ابن بطوطه (جهانگرد معروف) در قرن هشتم.

این گنبد و بارگاه تا چه زمانی پا بر جا بود و آیا سلاطین دیگری در تعمیر یا توسعه آن نقشی داشته‌اند؟

در چند مرحله تعمیراتی در این بارگاه صورت گرفته است. اولین تعمیر در حرم ائمه بقیع در سال 519 هـ. ق و پس از گذشت بیست و چهار سال از ایجاد ساختمان آن می‌باشد که به دستور مسترشد بالله، خلیفه عباسی انجام گرفته است. سمهودی در کتاب خود می‌گوید کتیبه‌ای در طاق سمت قبر عباس وجود دارد که تاریخ دقیق تعمیر و سلطان وقت را نوشته است.

دومین تعمیر در حرم بقیع بین سال‌های 623 و 640 ه. ق به وسیله یکی دیگر از خلفای عباسی به نام مستنصر بالله انجام گرفته است. این موضوع را نیز سمهودی در کتاب خود و بر اساس کتیبه‌ای که در بالای محراب حرم بقیع نصب شده است، ثابت می‌کند. تعمیر سوم حرم شریف متعلق به اوایل قرن سیزدهم هجری است که به دستور سلطان محمود عثمانی انجام گرفته است. فرهاد میرزا که در سال 1292 ه. ق به حج مشرف شده است، می‌نویسد: «تعمیر بقعه مبارکه در بقیع از سلطان محمودخان در سنه یکهزار و دویست و سی و چهار هجری به دست محمدعلی پاشای مصری و به امر سلطان واقع شده است.»

اما نکته جالب در اینجا ویژگی‌ها و خصوصیت‌های حرم شریف است که نظر بسیاری از مورخان را به خود جلب کرده است و به اختصار به این ویژگی‌ها اشاره می‌کنم.

- 1- آنکه حرم بقیع هشت ضلعی بوده است. برای نمونه میرزا محمدحسین فراهانی که در سال 1302 ه. ق این حرم شریف را زیارت کرده است، می‌گوید: «چهار نفر از ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین است که در بقعه بزرگی که به صورت هشت ضلعی ساخته شده است واقع‌اند و اندرون و گنبد آن سفیدکاری است.»
- 2- آنکه حرم بقیع دارای دو در بوده است. ابن نجار مدینه‌شناس معروف متوفای 647 ه. ق می‌گوید: «بقیع دارای دو در بوده است که یکی از آنها همیشه و در تمام ساعات روز به روی زائرین باز بوده است.»
- 3- بارگاه بقیع محرابی هم داشته است. سمهودی یکی از کتیبه‌ها را در بالای محراب ذکر می‌کند و چهارم آنکه حرم بقیع خادمی نیز داشته است. این خدام شامل کفش‌دار و زیارتنامه‌خوان بود. امین‌الدوله در سفرنامه خود می‌نویسد: «یکشنبه یازدهم محرم 1316 ه. ق هوای بقیع و زیارت ائمه هدی کردم. آنجا جز حاج صادق یزدی و یک ضعیفه کفش‌دار و یک سقا کسی نبود. کلیددار، متولی و زیارتنامه‌خوان هنوز نیامده بودند» همچنین در برخی سفرنامه‌ها برای حرم تزئیناتی ذکر شده و اینکه این حرم صحن نداشته است.

به نظر می‌رسد این حرم با این خصوصیات ضریحی هم باید داشته باشد. در مورد ضریح این حرم توضیحاتی بدهید.

آنچه از تاریخ به دست می‌آید این است که قبور ائمه بقیع و جناب عباس از قدیم‌الایام و بلکه پیش‌تر از قرن هفتم تا زمان تخریب دارای ضریح‌های متعددی بوده‌اند که به مناسبت نزدیکی و اتصال قبور ائمه (علیهم‌السلام) همه آنها در داخل یک ضریح و قبر عباس عمومی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علت فاصله آن با این قبور دارای ضریح مستقل بوده است. همه مورخان از ظرافت و زیبایی این ضریح‌ها تعریف و تمجید کرده‌اند.

در تاریخ برای اولین بار که از صندوق قبور ائمه بقیع سخن به میان آمده به وسیله جهانگرد معروف ابن جبیر (متوفای 614 ه. ق) می‌باشد. او می‌گوید: «قبرشان بزرگ و از سطح زمین بلندتر و دارای ضریحی از چوب می‌باشد که بدیع‌ترین و زیباترین نمونه از نظر فن و هنر است و نقوشی برجسته از جنس مس بر روی آن ترسیم و میخ‌کوبی‌هایی به جالب‌ترین شکل در آن تعبیه شده که نمای آن را هرچه زیباتر و جالب‌تر نموده است» و عده‌ای مورخ دیگر که شبیه به این تعابیر را به کار برده‌اند. از آنجایی که این ضریح از نظر ظاهری شبیه ضریح

حرم کاظمین (علیهما السلام) و عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) است و این ضریح‌ها به دستور مجدالملک ساخته شده است، می‌توان گفت اولین ضریح بقیع نیز به دستور مجدالملک ساخته شده است. همچنین دو ضریح دیگر نیز برای بقیع ساخته و نصب شده است که سومین آنها تا زمان تخریب این حرم پا برجا بوده است. مرحوم سید محسن می‌گوید: «در اصفهان ضریح دیگری از فولاد به صورتی ظریف و زیبا ساخته شد که در قسمت بالای آن اسماء حسنی با آب طلا و خط زیبا ترسیم شده بود که با سختی فراوانی به جده منتقل و به خاطر ممانعت سران مدینه سه سال متوقف و با پرداخت مبالغ کلانی به مخالفان، در حرم نصب گردید.» بعد از آشنایی با تاریخ ساخت و نوع بنای حرم ائمه بقیع، مهم‌ترین موضوع ویرانی این مکان شریف است.

چه دلیلی باعث شد که این بارگاه شریف با آن قداست والای خود مورد هجوم و تخریب قرار گیرد و این تخریب توسط چه کسانی و با چه انگیزه‌ای بود؟

یکی از آفات بزرگ و خطرناک تمام مذاهب و آیین‌ها، کج فهمی و تندروی‌ها و برداشت‌های غلط و انحرافی و به اصطلاح قرائت‌های خودساخته از دین است که در مقاطع مختلف از میان پیروان همان مذاهب به وجود آمده و موجب تضعیف و تفرقه در آن مذهب گردیده است.

از مصادیق و نمونه‌های بارز چنین انحراف فکری و برداشت‌های ناروا، گروه خوارج هستند که در حال حیات رسول خدا و در میان جامعه آن روز به وجود آمدند و در زمان امیرمؤمنان (علیه السلام) گسترش یافته و سرانجام آن بزرگوار به دست یکی از عوامل همین گروه به شهادت رسید. یکی از اوصاف خوارج که در احادیث بدانها تأکید شده، کثرت عبادت و تقید آنان به نماز و روزه و قرائت قرآن است، به حدی که عبادت سایر مسلمانان نسبت به عبادت آنها حقیر و کم می‌نماید. ویژگی بعدی فاصله گرفتن آنها از اسلام و دور شدنشان از روح قرآن است که در اثر غرور و تحجر حاضر نبودند از هیچ ناصحی نصیحت بپذیرند. یکی دیگر از اوصاف خوارج تکفیر مسلمانان بود تا جایی که هر مسلمان متعهدی را که با عقیده و تفکر انحرافی آنان موافق نبود مرتد و خارج از اسلام می‌دانستند. پس از چندین قرن از ظهور خوارج یعنی در آستانه قرن هشتم نمونه‌ای دیگر از این انحرافات ظاهر گردید. احمد بن تیمیه در شام مطالبی را در مسایل مختلف اسلامی خلاف مسلمات اسلام و مخالف با فتاویٰ علما و پیشوایان به شکل سخنرانی و مکتوب منتشر کرد. علما و دانشمندان از شام و مصر و بغداد در مخالفت با نظریات او به میدان آمدند و به نقد عقاید او پرداختند و بر انحراف و ارتداد او فتوا صادر کردند.

ابن تیمیه پس از چند بار زندانی شدن در مصر و شام، سرانجام در سال 728 ه. ق در زندان دمشق از دنیا رفت. وضع به همین منوال بود تا اینکه در قرن یازدهم، در نجد حجاز فردی به نام محمد بن عبدالوهاب پا به عرصه حیات گذاشت و پس از چهار قرن بار دیگر به ترویج و تبلیغ عقاید ابن تیمیه پرداخت. اما دلایل مختلفی باعث شد که ابن وهاب در فعالیت‌های خود موفق شود. از جمله آنکه وی در شهر نجد به اظهار و نشر عقاید خود پرداخت که مردم آن را افراد دور از تمدن و معارف تشکیل می‌دادند اما ابن تیمیه در مرکز معارف دینی قرار داشت. همچنین با متهم کردن سایر مسلمانان به کفر، مردم نجد به غارت و کسب ثروت تشویق شدند.

فتاوی فقہی و ہابیہ کہ موضوع اصلی بحث ما است، چندین مورد است. مهم ترین آنها حرمت سفر برای زیارت قبور پیامبران و صالحان و حرمت تبرک و توسل به آنان و ساختن حرم و بارگاہ بر قبور آنهاست. بنابراین ہرگونہ توسل و تبرک جستن بہ ساحت پیامبران و ائمہ اطہار شرک و کفر و بت پرستی محسوب می شود و موجب حلال شدن مال و جان چنین افراد است.

مرحوم آیت اللہ امین عاملی در کتاب خود پیرامون عقاید و ہابیہ می نویسد: «اعتقاد و ہابیہ درباره عموم مسلمانان این است کہ مسلمین پس از ایمان بہ کفر برگشته اند و پس از توحید بہ شرک گراییدہ اند. زیرا آنان در دین بدعت گذاشته اند و بہ جهت زیارت و تبرک جستن بہ انبیاء و صالحین بہ کفر و شرک روی آورده اند، لذا جنگ با آنان واجب و ریختن خون آنان و تصرف اموالشان بر مسلمانان (و ہابیہ) حلال است» بر این اساس بود کہ آنها بہ ہر جا و بہ ہر شہر و دیاری دست می یافتند قبل از ہر چیز بہ تخریب مشاہد شریفہ و بقاع متبرکہ می پرداختند. کشتار و ہابیہ در عتبات عالیات صفحہ ای سیاہ در تاریخ اسلام است.

در سال 1216 هـ. ق امیر سعود با لشگری بسیار بہ شہر کربلا حملہ ور شدند. تعداد بیست ہزار نفر از اہالی کربلا و زوار کشتہ شدند و خزانہ حرم و تمام تزئینات و جواہرات حرم بہ تاراج رفت. همچنین آنان بہ ہنگام تسلط بر طائف و مکہ قبور جد و عموی پیامبر، خدیجہ ہمسر پیامبر و بسیاری از اماکن مقدسہ را ویران کردند. در ماہ رمضان 1344 هـ. ق وارد مدینہ شدند و پس از گذشت چند روز در ہشتم شوال گنبد و بارگاہ ائمہ معصومین (علیہ السلام) در بقیع را بہ کلی منہدم کردند و از این حرم و قبور بہ جز قطعہ سنگ ہایی کہ در اطراف قبور نصب کردند اثر و علامتی باقی نہماند.

بہ کارگرانی کہ این عمل ننگین را انجام دادند، مبلغ ہزار ریال مجیدی دستمزد پرداخت گردید. تنها حرم مطہر پیامبر اسلام (صلی اللہ علیہ و آلہ) آن ہم در اثر ترس از قیام مسلمانان جہان از تعرض و تخریب مصون ماند کہ اگر این ترس نبود حرم پیامبر اسلام (صلی اللہ علیہ و آلہ) پیش از سایر بقاع مورد تعرض قرار می گرفت. بعضی از نویسندگان و ہابی این مصونیت را بدین گونه توجیہ می کنند «کہ ما این گنبد را بہ عنوان یکی از گنبدہای مسجد می شناسیم نہ بہ عنوان گنبد و بارگاہ حرم پیامبر والا ...» و اینک با گماردن مأموران تند و خشن و گاہی چوب بہ دست از نزدیک شدن زائران بہ این حرم جلوگیری می کنند.

یکی از جہانگردان غربی بہ نام مسٹر ریتر کہ بہ فاصلہ کوتاہ از ویرانی این حرم، بقیع را دیدہ، ویرانی آنجا را چنین ترسیم می کند: «چون وارد بقیع شدم، آنجا را همانند شہری دیدم کہ زلزلہ شدیدی در آن بہ وقوع پیوستہ و بہ ویرانہ ای مبدل ساختہ است. زیرا در جای جای بقیع بہ جز قطعات سنگ و کلوخ بہ ہم ریختہ و تیرہای چوب کھنہ چیز دیگری نمی توان دید. ولی این ویرانی ہا و خرابی ہا نہ در اثر وقوع زلزلہ و یا حادثہ طبیعی بلکہ با عزم و ارادہ انسان ہا بہ وجود آمدہ بود و ہمہ آن گنبد و بارگاہ ہای زیبا و سفیدرنگ کہ نشانگر قبور فرزندان و یاران پیامبر اسلام بود، با خاک یکسان گردیدہ است.»

چون خبر هولناک ویرانی بقاع و ہتک حرمت نسبت بہ حرم شریف ائمہ بقیع در کشورہای اسلامی انتشار یافت مسلمانان آن را مصیبتی عظیم و حادثہ ای بس بزرگ نسبت بہ جہان اسلام تلقی نمودند. تلگراف ہای اعتراض از سوی علما و مراجع و شخصیت ہای سیاسی از عراق و ایران و ہند و سایر کشورہا بہ سوی حاکمان حجاز سرازیر گردید. مجالس درس در حوزہ ہای علمیہ و نمازہای جماعت در مساجد تعطیل شد.

مراسم عزاداری بہ عنوان اعتراض و سوگواری تشکیل گردید ولی چہ سود کہ این حادثہ بزرگ و تأسف بار بہ وقوع پیوست و این آثار و ابنیہ مذہبی و تاریخی کہ قداست بعضی از آنها بہ بیش از دہ قرن می رسد، بہ دست گروہی

متعصب و متحجر و بی‌اطلاع به عنوان ایفای یک وظیفه واجب مذهبی با خاک یکسان شد. البته پس از آن وهابیان دست به مبارزه فرهنگی زدند تا وجود چنین مکانی را از منابع تاریخ حذف کنند. یکی از ابعاد آن را می‌توان در تألیفات جدید و متنوعی یافت که در تاریخ حرمین شریفین و مدینه‌شناسی منتشر شده است. در این کتاب‌ها گزارشی از این ابنیه تاریخ ثبت نشده است. به طوری که گویی اصلاً چنین آثاری وجود نداشته است.

یکی از این تألیفات که در سال 1412 هـ. ق منتشر شده کتابی است به نام «تاریخ المعالم المدینه المنوره قدیماً و حدیثاً» به قلم سید احمد یاسین. مؤلف در این کتاب چهارصد صفحه‌ای تا آنجا که توانسته است آثار قدیمی و تازه‌های مدینه را از مساجد و قلعه‌ها و چاه‌ها با عکس و شرح و تفصیل معرفی نموده ولی از بقیع، حساس ترین اثر تاریخی مدینه فقط در هفت سطر و به عنوان گورستان عمومی مردم مدینه یاد نموده است.

شیعه نیوز - گروه دین و اندیشه تبیان